



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۲۸

صورت مشروح
مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه پنج شنبه ۲۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ - ۲۵ ذی حجه ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالانه ۱۲۰ تومان
 داخه ۱۰۰ تومان
 خارج ۱۲۰ تومان
 نك شماره : پلا تهران

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنج شنبه ۲۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ هـ (۲۵ ذی حجه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۷) شور دو فقره اعتبار نظایه |
| ۲) تصویب پنج فقره مرخصی | ۸) تقدیم یک فقره لایحه مهابدی بوسیله آقای وزیر عدلیه |
| ۳) تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه | ۹) پنج فقره لایحه اعتبار نظایه |
| ۴) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه | ۱۰) شور اول لایحه ثبت شرکتها |
| ۵) شور اول عهد نامه ایران و لتونی | ۱۱) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه |
| ۶) اجازه الحاق ایران بقرارات ماده ۲۶ اساسنامه دیوان داری | ۱۲) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بپرياست آقای دادگر تشكيل كردند

صورت مجلس روز يكشنبه نوزدهم اردی بهشت ماه را آقای مؤيد احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱- تصویب صورت مجلس

رئيس - آقای زرنوی

فزونگی - در صورت مجلس آقای بروجردی را غائب
بی اجازه نوشته اند (نمایندگان - بلندتر) در صورتیکه
مرض هستند واستحاجه کردند.

بعضی از نمایندگان - نتهمیدیم چه فرمودید

صورت مجلس تصویب شد.
۲- تصویب ۵ فقره مرخصی
رئيس - چند فقره خبر از کیهیون غرضی و مرخصی
رسیده است قرائت میشود:
خبر مرخصی آقای ارباب کبشرو

بعضی از نمایندگان - نتهمیدیم چه فرمودید
رئيس - تذکری راجع به غیبت داشتند که اصلاح
میشود. نظر دیگری در صورت مجلس نیست؟ (کشتند - خیر)

نماینده محترم آقای ارباب کبشرو شاهرخ نقاشی بکلاه
تجدید مرخصی از تاریخ انقضاء مدت مرخصی سابق نموده اند
کیهیون با نقاشی ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم بمبارد
رئيس - آقای ملک مدنی

عین مذاکرات مشروح بیست و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقابیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)

دايرة تند نویسی و تفسیر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است: غائبین با اجازه - آقایان - آشتیانی - ارباب کبشرو
دکتر فیض - جردوی

غائبین بی اجازه - آقایان: تیمور تاش - دبستانی - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج محمد رضا بهانی - دکتر امیر اعظم -
میرزا سلطنتون اکبر - سلطانخان - اعظم زنکه - افندی - طباطبائی دیا - امدی - دکتر سنگ - میرزا محمد تنی طباطبائی
آقا دمام بودی - فراگوزلو - دکتر منانی.
فر آمده کسان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهديان غلامی - مرضی قلیخان بیات - پوشهری - اعتبار - شریعت زاده -

ملک مدلی - بواسطه
رئیس - آقای روسی
روحی - موافقت.

رئیس - آقایان موافقتن قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
خبر مرخصی آقای بولسی آقا

نمائند محترم آقای بولسی آقا وهاب زاده برای رسیدگی بکار های شخصی تقاضای یکماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده و تمام حقوق این مدت را اختصاص به مؤسسات خیریه خراسان داده اند بملاوه پنجاه تومان هم نقداً برای تعمیر مقبره خیام تعیینی داده اند کبیرون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میگرد.

رئیس - مخالفتی نیست (نابیندگان - خبر) آقایانیکه موافقتن قیام فرمایند
(غالب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
خبر مرخصی آقای میرزا محمد خان وکیل

نمائنده محترم آقای میرزا محمد خان وکیل بواسطه رسیدگی بامورات شخصی تقاضای یکماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده و پنجاه تومان از مقرری این مدت را به مصرف تعمیر مقبره حده الله مستوفی اختصاص داده اند کبیرون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم می دارد

رئیس - آقای وثوق موافقتن ؟
وثوقی - توضیحی دارم.
رئیس بفرماید

وثوقی - عرض کنم در این خبر اسمی از حده الله مستوفی برده شده خواستم خاطر آقایان را مستحضر کنم مقبره حده الله مستوفی در قزوین مدنی است خراب شده است و بنده اولاً از مقام ریاست خبیل تشکر میکنم ثانیاً از اعتناء کبیرون عرضی خصوصاً از آقای ملک مدلی که اهتمام فرمودند که این مقبره تعمیر بشود.

چون حده الله مستوفی یکی از مورخین بزرگ شرق است و بنده در تعمیر حده الله مستوفی چیزی عرض نمیکم البته بنده کوچک خود تصنیفات و تألیفات ایشان نسبت به علوم و تاریخ که اخیراً برون طبع کرده است از قبیل تاریخ کزبده و ترجمت القلوب که این خود معرفت او است فقط از برای این است که آقای ملک مدنی وسایر آقایان تصمیم گرفته اند آن مقداری که از قزوین باقی بول جمع آوردی بشود اهالی قزوین بصدقت آن مقدار عجز آردی شده است و چمی از آقایان هم تصمیم گرفته اند همت گماشته اند آثار این مرد بزرگ باقی بماند این است که هم از آقای حبیبی و هم از آقای بیات که خبیل تشکر میکنم یک مبلغی از حقوق مرخصی شان را باینکار اختصاص داده اند و بنده ما هم خواهد همین رویه معمول شد تا اینکه این مقبره تعمیر بشود این بود که بنده برای عرض تشکر پشت قریبون آمده و متعلقند ندام .
کارروسی - بعد از این همه مقبره ها باید تعمیر شود.

رئیس - آقایانیکه با مرخصی آقای وکیل موافقتن قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
خبر مرخصی آقای مرضی قلیخان بیات

نمائنده محترم آقای مرضی قلیخان بیات تقاضای ۱۶ روز مرخصی از تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۱۰ نموده و مبلغ یکصد تومان از مقرری این مدت را به مصرف تعمیر مقبره حده الله مستوفی اختصاص داده اند کبیرون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میگرد
رئیس - آقایانیکه موافقتن قیام فرمایند
(اکثر نابیندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
خبر مرخصی آقای وهاب زاده

نمائنده محترم آقای حاجی تقی وهاب زاده برای رسیدگی بامورات شخصی و مبلغ پنجاه تومان از مقرری این

ملک کرامت مجلس
بند را اختصاص به تعمیر مقبره حده الله مستوفی داده اند کبیرون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم میگرد
رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای وهاب زاده را تصویب فرمایند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد
۲- تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
رئیس - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - بنده یک لایحه مختصری دارم راجع به مباحثات با حقوق کمرک اشیا که برای دفع مانع وارد میشود نظیرش سابقاً ما بوده است (صبح است)

۳- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه
رئیس - آقای وزیر امور خارجه

وزیر امور خارجه - دو فقره عهدنامه بسته شده است مابین دولت ایران و دولتین یونان و رورژ لایحه قانونی تصویب آنها را تقدیم میکنم
۵- شور اول عهد نامه ایران و لتونی

رئیس - خبر کبیرون خارجه راجع بهدنامه ایران و لتونی قرائت میشود :

خبر کبیرون

کبیرون امور خارجه در جلسه ۹ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ لایحه نمره ۳۲۷۷۰ دولت راجع بمبادله عهدنامه مودت بین دولتین ایران و لتونی را تحت شور و مذاقه فرار داده عین ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب نموده اینک خبر آن تقدیم میشود

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت میشود :
ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت مشتمل بر شش ماده را که در تاریخ پانزدهم ژانویه ۱۹۲۹ مطابق با ۲۵ دیماه ۱۳۰۷ بین دولتین ایران و لتونی امضا شده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا بدوگ میدعد

رئیس - شور اول و مذاکره در کلمات است . اعترافی ندم . رأی میکنم بپرورد در شور مواد موافقتن قیام فرمایند
۶- اجازه الحاق ایران بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دادوری
رئیس - خبر کبیرون خارجه راجع به الحاق دولت ایران به ماده سی و شش اساسنامه دائمی دیوان دادوری بین المللی مطرح است قرائت میشود :
خبر کبیرون
کبیرون امور خارجه در جلسه هم اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ لایحه نمره ۲۷۷۴۳ دولت راجع به الحاق قطعی دولت ایران بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادوری بین المللی را تحت شور فرار داده و ماده واحده پیشنهادی دولت را عیناً تصویب نموده اینک خبر آرا تقدیم میشود .
رئیس - ماده واحده پیشنهادی دولت قرائت میشود :
ماده واحده - مجلس شورای ملی الحاق قطعی دولت ایران را بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادوری بین المللی و ارجح به التزام حکایت دیوان مزبور در مواد مشروحه در ماده سابق الذکر بطوری که نماینده ایران در تاریخ دهم مهر ماه ۱۳۰۹ امضا نموده است تصویب کرده و بدوگ اجازه میدهد اسناد مصدق آرا بدار الاتقاء جامعه ملل تسلیم نماید
رئیس - شور اول ماده واحده مطرح است . اعترافی رسیده است . رأی میکنم بپرورد در شور دوم موافقتن قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .
۷- شور و تصویب دو فقره اعتبار لطمه |
رئیس - خبر کبیرون بوجه راجع به دو فقره خارج ضروری نظریه مطرح است . ماده واحده قرائت میشود

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که معادل سه هزار و سیصد و پنجاه هفت تومان و دو قران و هشتاد و دیشار جهت تهیه ملبوس و رختخواب و سایر لوازم ضروری توفیقیهای نظمی و هم چنین مبلغ یکبهار و پانزده تومان برای خارج فوق العاده مأمورین اعزامی به قصبه بوکان از هفتم شهریور ماه ۱۳۰۹ تا آخر آن سال از محل اعتبار صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۹ تفکیکات نظمی بپردازد

رئیس - ماده واحده مطرح است آقای مؤیداحمدی **مؤیداحمدی** - ماده چون يك موفقی يك موضوعی را اطلاع پیدا كردم خصوصاً آقای روسی و آقای دكتر ملك زاده و آقای امیر ابراهیمی هم تشریف دارند كه بد آن موقع فرمان بودند و آن راجع به خارج عیبهها است بگردد و بواسطه ضرورتی كه كرده اند با در عدلیه محكوم میشوند اینها را میرند به نظمی يك قسمت كه در بیابانها كارهایی میکنند امنیها میگیرند آنها را هم میفرستند به نظمی عده محبوسین در نظمیها زیاد میشود آنوقت خارجي كه برای آنها تهیه میکنند بقدری كه است كه خاطر است آنوقت تفسیر کرده بودند روزی پنجشاهی بهر محبوس میرسد ملاحظه بفرمائید بكنتر محبوسین روزی پنجشاهی چه جور زندگي كند از اطراف هم محس است كه نمیتواند بیرون بیاید برود مثلا كدغی بگند لالال بنده خاطر است كه آقای دكتر ملك زاده دروك كنفالنسی بیان كردند كه هیچ چیزی هیچ نوابی الاثر از این لیست كه يك خارجي را بدهند برای قنوا و اشخاصی كه حبسند آنوقت مثلا چه میگردند امروز پنجاه نفر بودند يكي دهشاهی مین میگردند میكنند اعتبار مان اینست فردا صد نفر میشدند میكنند روزی پنجشاهی هرچه عده زیاد میشد كم میگردند و آنوقت معلوم است يك آدمی حالا مقرر كند تاكثير بنده عرض میکنم محكوم بقتل لكن زاده است باید دانش داد اینها باید این را در نظر بگیرند يك میلی برای ولایات باندازه كه محبوس است است

بدي دارم پیدا میکنم و آن این است كه نذرانی كسك نمایندگان محترم قبل از دستور میبندند بنده را میبخیزد و جواب عرض میکنم (يكی از نمایندگان - قبل از دستور لیست مذاكره در لایحه است) در صورلیكه ضروری ندارد ولی همذات وقتی كه بنده می بینم ممكن است يك موضوعی تولید سوه نظام میکنند خودم را مكلف میدانم كه اینجا بیایم و توضیح بدم البته محبوس وقتی كه در حبس برود باید در نظر گرفت كه وضعیتش خیلی بد باشد یا نیستی كه آنوقت باندازه كه از برای مزاجش لازم است و بالاخره بدن او احتیاج دارد بود داد ولی هم مانده بنده عقیده ندارم كه دوست كرد بنده معتقد نیستم كه محبس بگجائی بشود كه اشخاص برای اینکه از زندگانی سخت خارج خودشان فرار كنند و يك چای راحتی داشته باشند و يك ترتیب آنوقت منظمی داشته باشند چرمی را مرتكب بشوند كه برود آنجا بنده خوب خاطر میبندم كه وقتی محصل میگردد در یکی از كتیبه كه مربوط بود بضایای جنائی میخواهند شرح حساب كنند پیر مردی را این را در یکی از كاتون های سول توفیق کرده بودند از برای ولگردی و این شخص فریادش بلند شده بود وقتی كه فهمیده بود كه در چه كاتونی است میكفتمن خیال میگردم كه محل توفیق من در آن كاتون پهلوی است برای اینکه آنجا هفتاد روز گوش میدادند و اینجا هفتاد بگروژ گوشه میدهند او حساب اینطور كرد بود بعد وقتی كه زندگانی این را نگاه كردند دیدند این بیچاره كسی است كه زیر بار هیچ کاری نبخواهد برود از

اشخاصی است كه زندگانشان را بالاخره به ولگردی گذرانده اند تمام عمرش را در همین خط سیر میگرد و حتی حساب محبس را کرده بوده كه در کدام محبس ها انسان غذا چطور میدهند و درجه فاضلی خوب است انسان در كام كاتون باشد و بالاخره مثلا عرض اینکه در كاتون دوژنی خیال میگردم است توفیق شود در كاتون دوور توفیق شده بود اوقاتش تلف شده بود چون خیال میگردم كه آنجا بپوش است و بنده خیال میکنم لازم باشد ما این كار را بكنیم اینها اشتباهات و از نظر اخلاق و آسایش مومنین باید متوجه این بود كه محبس باید قسم آسایشگاهی نبود كه تاكثامان از نقطه نظر را حتی خودشان با اینجا پناهانده بشوند این را اول در نظر بگیرند (افسر - صحیح است) و بعد هم عرض كنم كه لابد توفیقی هست در بار توفیقش بدم بیست گاه كاهی تذكار داده شود ماهی بیست رایش له قانونی نااخلاقی ولی از طرف دیگر كار حالی كه شده است باید در نظر گرفت محبس عالی كه ساخته شده است باید در نظر گرفت محبس عالی كه در چند سال سابق داشتیم آنها را باید به خاطر آورد خروج فوق العاده كه شده است در دید در نظر گرفت كه همین كسی كه رفته است در محبس را در خارج چه جور زندگي میگردم است در منزل شخصی خودش چه جور بوده است و علاوه محبوسین در محبس باید قدری هم كار بكنند مطابق قانون هم باید كار بكنند حق آن كسی هم كه محكوم بعمال شافه شده باشد باید كار بكنند و يك مقدار از آن عیادت كه از كار او حاصل میشود باید كلك بود به خارج او این را هم دولت در صدد است كه این كار را بكنند و بنده تصور نمیكنم مسئله بان اندازه اهمیت داشت كه لازم بود آقای نماینده محترم يك فرمایشی بكنند مثل این خواهد بود كه در خارج اگر كسی نگاه كند و روزه نامه را بخواند همچو تصور خواهد كرد كه ما محبوسین خودمان را برداریم آنها و بیاك جوی آرایه كه خیلی هم آزاد نیست كاتون در محبس زندگانی كند و آن نغذیه كند اینطور نیست آقا! خرج داده میشود سلم است كه آن خرج فوق العاده را بدینست باندازه است كه این

رئیس - اولاً بنده پیش از مطالب خودم لازم میدانم با آقای وزیر عدلیه كه عرضی بكنم كه تذكر نمایندگان در این قبیل مواضع داخله دیگر وزراء لیست ما خودمان را شركاء سهمیه میدانم با ایشان ما موافق دولت هستیم و اگر يك تذكري بدهیم برای بیطرفت كار های آنها است ما میخواهیم كه در این دوره متشخص اگر يك نواقصی هم در كار ما است به ایشان تذكر داده باشیم و حالا ایشان به ما حمله میکنند ما برای يك ایشان این عراض را میکنیم به اینکه ما با ایشان حله میکنیم كه ایشان ما حمله میکنند بنده از ایشان كله میکنم كچرا ما حمله میکنیم. آقای مؤید احمدی ایشان تذكر میدهند یعنی به نظمی يك همچو توفیقی در بعضی ولایات هست و ایشان باید رفع كنند. راجع باستراحت حال محبوسین هم كه ایشان فرمودند بنده از فرمایش ایشان تعجب كردم كه امروز در تمام دنیا بر خلاف نظریه ایشان است و در واقع محبس باید مثل يك مدرسه باشد نه مثل سیه چال و حق بقدمت امروز و تشریح ما این دوره از این دولت و سلطنت است است كه بهمه زوایای مملكت توجه دارند حق بهخالد محبوسین. ما تشریح میکنیم از محبس عالی كه ساخته شده است از اقسامی كه شده است منتها تذكر میدهم كه اگر توفیقی هست این رافع و اصلاح كنند و الا ایشان میخواهند بفرمائند كه محبس بر كرد و حال قدیم بنده تصور میکنم كه عقیده ایشان هم این باشد. امروز محبس های ما مثل مدارس ما باید اصلاح شود باید اینجا يك كاری بشود. محبوسان كه اینها بیرون

می آید، مجبور نباشد که از نو برود از فرط تنگدستی برد
 هزینه کند، مینظر که امثال این بیکر دیده شده است، بک مجبور
 از آن محس بیرون بیاید از فرط گرسنگی از نو می رود
 پلذدی اقدام می کند اما عرض خود بنده - عرض خود
 بنده راجع به موضوع تأدیبه مخارج عبوسین است که
 متأسفم آقای وزیر مالیه رفتند و بنده میخواستم استماع
 کنم این مخارجی که برای محبوسین تأدیبه می شود
 این را اگر خیلی منظم برسانند در آخر ماه میدهند و
 حال آنکه از ابتدای ماه تا آخر ماه این یک محل لازم
 دارد الان در خود طهران هزار و هفتصد نفر شاید این
 میزانها محبوس دارد که تقریباً روزی دویست و پنجاه
 تومان همچو چیزی مخارج اینها میشود این را مجبور
 است خود نظایه ندادار کند تا آخر ماه آنوقت آخر
 ماه برود حواله بگیرد این را تصور میکنم اسباب زحمت
 هم اداره است هم مزلومات اداره است اتفاق می افتد
 که در این اداره این میزان پول پیدا نمی شود و
 اداره می افتد بیک زحمت فوق العاده برای معاش حق
 نان یومیه محبوسین و آنوقت محبوسین مبتلا می شوند
 بگرسنگی و اسباب زحمت فراهم می شود بنده میخواستم
 استماع کنم که یک توجهی بکنند یک اختیاری به نظایه
 بدهند که فیلا هر ماه بتوانند آنوقت محبوسین را تدارک
 کنند که مرثاً آنها برسانند.

اما راجع به اصل قضیه که آقا در ابتدا فرمودند
 بنده آرا هم اصل صحبت خودم فرار میدهم بنده باصطلاح
 معروف کردم از مو پاریکتر است اهل حله هم نیست
 و هیچوقت هم این نظر را ندارم از نقطه نظر یک
 تذکری بود که بجای خودش آرا هم لازم میدانم راجع
 باختیاری که می فرمایند آخر ماه دارند و گاهی هم شاید
 در سه روز یا آخر ماه مانده این صحیح است ولی آیا
 آقا خبر دارند یا اگر اینطور بوده بنده بقیه دارم که
 خیلی بطور استناد اتفاق افتاده است که هیچ وسیله
 نداشته است محس از برای اینکه مخارج بدهد بقی گفته اند
 به محبوسین که شما یک ماه غذا نخوردید و بعد از یک
 یک چنین اتفاقی افتاده بنده که همچو چیزی نشنیده ام
 و تصور نمیکنم همچو چیزی باشد که بکدام محبوسین
 بدون غذا مانده اند و در آخر ماه بابت ماه گذشت
 پنهان غذا داده اند این همچو نمی شود آقا راه طبعی
 این همان کاری است که معمولاً میکنند از برای این
 کار یک اعتبار متحرک میکنند و در آخر ماه صورت
 حسابش را میدهند و الا کلام عبوسی بوده است که
 باختیار این که در ماه آتیه غذا خواهد خورد یک ماه
 گرسنگی خورده است و بنده بقیه دارم که آقایان
 موافقت میفرمایند که لایحه زود تر بگذرد و کارهای
 دیگرمان مطرح شود بهتر است (صحیح است)
 یعنی از نمایندگان - مذاکرات کلی است.

دوره سفید خواهند داد.
 (و اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و هشت
 ورقه سفید تعداد شد)

دو سی عدد حاضر در موقع اعلان رأی ۸۹ با کثرت
 ۷۸ رأی تصویب شد :
 [۱۰ - شور اول لایحه ثبت شرکتها]
 مجلس - قانون راجع به ثبت شرکتها مطرح است .
 مذاکره در کلیات است . آقای روحی
 عرض کنم . آقای وزیر عدلیه هر وقت
 که یک مذاکره ای این جا می کردند ما حسن استناد
 میکردیم و هر موقع که در یک موضوعی صحبت میشد
 ایشان بسایک پیشانی باز جواب می دادند و البته
 بیایستی هم تصدیق داشته باشند که بعضی از آقایان که
 یک تذکرانی میدهند فقط به نفع دولت و مملکت است
 و واقعاً از نظر وطن پرستی است حالا ممکن است کاهی
 اشتباهاتی بشود و البته دولت هم در موقع خودش یادآوری
 میکند و رفع اشتباه میکند و باید واقعا بشناسد که همه
 عراضی که ما میکنیم فقط برای تذکر و یاد آوری است
 این را قبلاً مذبذرت خواستم از شان که مطلب خود را
 بند عرض کنم و مطلبی را که دارم عرض کنم که
 جواب به بنده بفرمایند عرض میشود این قانون ثبت
 شرکتها یکی از بهترین قوانینی است که آقای وزیر عدلیه
 تقدیم مجلس کرده اند می خواستم خدمتشان عرض کنم
 که چندی است در این شهر بلکه در این مملکت یک
 موسساتی بنفوان بیمه ایجاد شده است البته اینها هم
 مجبورند مطابق این قانون ثبت بدهند عایداتشان را هم
 ملوم کنند و بگویند در تمام این جاها که این قانون

اجرا میشود شامل آنها هم میشود و از این جهت بنده
 نگرانی ندارم ولی از جوانی که بنده نگرانی دارم این است
 که مطابق ترتیبی که در همه جا معمول است این شرکتها
 بیمه یک عایدات زیادی دارند و مقدار زیادی به آن دولت
 متوقف فیها میدهند بجهت این که پول کز آن از مردم بییهت
 میگیرند آنوقت هم مستند همت قفلشان به هفتاد اگر
 اگر این تریب بشود بیمه مسئول نیست اگر آنطور بشود
 بیمه مسئول نیست اگر این جور بشود مسئول نیست بالاخره
 در این مملکت هم آن مسائل که در اروپا باعث تست آن چیزهایی
 که در اروپا موجب حریق میشود مناداریم بگاز است موجب
 حریق میشود الکتریسیته است که مناداریم پس
 اینها یک بولی مفت بی چینی از مردم میگیرند و یک عده
 هم که دیده اند یک مغطراتی بر آنها منوجه است با آنها
 رجوع میکنند پس باید این کیفیتها یک عایدات بیشتری
 به دولت بدهند و همینطور که در سایر جاهای دیگر
 میدهند مامم رفتار کنیم و بملراه واقعا به بینیم اینها
 چه دارند چه ندارند نمودن چیت بنده نشان چیست
 یک نظامنامه خاصی برای طرز عمل آنها برای معاملات اینها
 با مردم و مردم با اینها بنویسند و در نظر بگیرند و اینها
 همینطور که عرض کردم یک پولی میگیرند اگر خسارتی
 واقع شد یک حرقی در یک عمارتی واقع شد این بجزای
 طریق استندالال میکنند که این حریق از طرف خودشان بود و کویانی
 مسئول نیست و آخر سال هم آن پولش را میخواهد باید در یک
 نظامنامه خاصی در نظامنامه که برای قانون شرکتها
 می نویسند باید این را در نظر بگیرند که بالنسبه به این

۴ اساسی رأی دهندگان - آقایان وهاب زاده - روس - هراز - هراز جری - ایال - ملک آرائی - قاضی خان
 بختار - دولتی - بنگار - قومی - طوی سزولاری - آفر - ناسری - احتشام زاده - میرزا حسینخان افشار - امیر تیرور
 میرزا محمد حسین نواب - وکتر ملک زاده - وکتر احتشام - دکتر تفتان - فتح سلطان فرزند - خواجه - کوشی - اسکندری - خلک
 طباطبائی وکیل - محمد جهاننامی - بیروا طایب چایچی - میرزا اسدخان صداری - یات ماکو - وصالیقان بستانلی - عدل - میرزا
 محمد سلطان قریبی - زهمی - اورنگ - فرخی - رفیری - سیرافان سزاکیان - ملام - محمد علی - محمد علی
 میرزا دولتشاهی - حسین میرزا دولتشاهی - یات - میرزا محمد محیط - آید جان پلرخی - یاسلی - دادور - مسعودی - غرامانی
 امیر ابراهیمی - دکتر امیر اعلم - وهابا - دکتر شیخ - احتیار - ملک مدنی - لاریچانی - محمدتخان اسد - مرهقی - ایزدی
 اولیخان خان یزبای - مصمم سنک - چندی - میر میرزا محمد یحیی - ملک زاده آملی - مولوی - نقت الاسلامی - مقبر غفر
 وکتر طامری - امیر حسینخان بختار - امیر دولتشاهی - طالبخان - آصف - میرزا ایلیاس - میرزا محمدخان وکیل - حبیبی - طغنی

کیابهای بیمه یک نظر خاصی در نظر بگیرند و هم از ایجاد باشان دولت زیادتر بگردند. منظور که در جاهای دیگر میگردند و هم یک کاری بکنند که حق مردم هم محفوظ بماند و در این خسارت را اگر بتوانند شرایطش را کم کنند در واقع اگر یک خساری منوجه شد مقداری از این حق بیمه که میگردند بعنوان جبران خسارت بدهند و چون باشد جای دیگری نداشتن که این تذکر را بدهم در این قانون راجع به شرکتها عرض کردم و امیدوارم این عرایض بشود مورد توجه آقای وزیر معزوم عدلیه واقع بشود و این نظریاتی که عرض کرده باشم خودشان مستحضر میشوند معلوم این بود که در موقع اجراء از نظرشان ممنوع شود

نماینده والا مدیران آنها به یکصد آلی یک هزار تومان میزان نقدی محکوم خواهند شد و بسلاوه حکم اجرائی آنها بنامهای مدعی الموم بنایب مجل صادر خواهد گردید.

رئیس - ماده سوم قرائت میشود:

ماده ۳ - هیچ شرکت خارجی نمیتواند در ایران باهرو بخارجی - مالی - صنعتی یا غیر آن مبادرت نماید مگر اینکه در ملکات اصل خود شرکت قانونی شناخته شده و در ایران مطابق مقررات ذیل دادرلر ثبت استاد طهران به ثبت رسیده و اعلانات مذکوره در ماده ۱۱۲ این قانون ثبت بآن بعمل آمده باشد.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده ۴ - تقاضای ثبت هر شرکت بوسیله شخصی که در ایران از طرف شرکت حق امضاء دارد و یا بنوسط وکیل که از طرف شخص مزبور برای این تقاضا وکالت دارد بعمل خواهد آمد.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده ۵ - برای ثبت هر شرکت تقدیم اسناد ذیل لازم است.

- ۱ - تقاضا نامه ثبت در دو نسخه
- ۲ - یک نسخه مصدق از اسامنامه شرکت
- ۳ - یک نسخه مصدق از اختیارات نامه نماینده عمده شرکت در ایران

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ۶ - تقاضا نامه ثبت باید در دو نسخه و بفراس نوشته شده و دارای تکات ذیل باشد

- ۱ - اسم شرکت بطور کامل
- ۲ - نوع شرکت (سهامی یا ضمانتی یا باعناط یا غیره)
- ۳ - مرکز اصل شرکت و آدرس صحیح آن
- ۴ - تابعیت شرکت
- ۵ - مقدار سرمایه شرکت
- ۶ - بیلان آخرین سال مالی شرکت
- ۷ - در چه محل و در چه تاریخ و در رد کدام مقام صلاحیت دار شرکت تقاضا کننده مطابق قوانین و ملکات

ولیر عدلیه - در اساس تذکری که نماینده معزوم داندند کاملاً بنسبت موافق هست نه از نقطه نظر عبادتتاری اینکه قوانینی که عدلیه می آورد همیشه از نقطه نظر تأمین حقوق افراد است حالا اگر در ضمن یک جنبه عبادتی پیدا کنند آن مسئله شمی است ولی اصل آن است ولیکن باطوری که فرمودید کیابهای بیمه در خارج هم معمولاً یک احتیاطهای بیشتری نسبت به آنها الیته هم حق هرمان است که بشود بتایر این ممکن است که آقا یک پیشنهادی بدهند در کمیسیون برای دور دور آتی مسئله را در تحت مطالعه می آوریم و راجع بآنها الیته آن احتیاطهایی که در ممالک دیگر راجع به کیابها و شرکتهای بیمه میشود مام رعایت میکنیم (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه با ورود در شور مواد موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده ۱ - هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز آن در ایران باشد دارای تابعیت ایران محسوب است

رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده ۲ - شرکتهای موجوده سهامی و مختلط ایرانی باید در ظرف شش ماه از تاریخ اجراء این قانون تکلیکات بطور امان با مقررات قانون تجارت راجع به شرکتها تطبیق

اصل خود ثبت شده است

۸ - شرکت چه نوع تجارت و با صنعت و باعمل دیگر در ایران مبادرت میکند

۹ - شعب آن در کدام يك از نقاط ایران موجود است

۱۰ - نماینده عمده شرکت در ایران کیست

رئیس - ماده هفتم قرائت می شود. آقای دکتر طاهری فرمایشی دارید؟

دکتر طاهری - بلی در ماده ششم. عرض کنم در ماده سابق بنده خواستم عرض بکنم فرست نشد حالا موقع را غنیمت میدانم که سؤال کنم که آن نسخه مصدق از اسامنامه شرکت و نسخه مصدق از اختیارات نامه معزوم چه عددی است مصدق به تصدیق عدلیه است یا وکیل آن و در این ماده ۶ خواستم عرض کنم که میگوید نماینده شرکت در ایران کیست مقصود از نماینده عمده کیست برای اینکه يك چیزی است که معلوم نباشد نماینده عمده يك چیزی نیست که معلوم يك چیزی بشود و يك حدودی ندارد که بعقیده بنده بشود معین کرد یکی دیگر اینکه مراد از مصدق تصدیق کیست و یکی هم اینکه توضیح بدهند که نماینده عمده منظور چیست؟

ولیر عدلیه - راجع به قسمت مصدق اگر آقا مراجعه بفرمایند بماده هفتم مطلب روشن میشود در ماده هفت نوشته شده است: سواد اسامنامه و اختیارات نماینده عمده شرکت در ایران و همچنین بیلان آخرین سال مالی شرکت باید در مرکز اصلی شرکت بنوسط رئیس هیئت مدیره و یا هر شخص دیگری که نماینده مجاز شرکت باشد تصدیق کرده این مصدقی که میگوید وقتی که اسامنامه را که بنویسند باید آگهی که رئیس شرکت است آفران تصدیق کند و دره هفت هشت بنویسند: اوراق مذکور در ماده فوق باید باضامه نماینده سیاسی یا قولی و لیلی ایران در ملکاتی که اولی مزبور در آن چنانچه شده است ضامه باضامه نماینده سیاسی و قولی و لیلی متبوع شرکت در ایران برسد این تصدیق هم

برای این است که تصدیق شود که این امضاء امضاء ولیس هیئت مدیره است بنا بر این دیگر این قسمت (مصدق) روشن میشود. اما راجع به قسمت نماینده عمده ممکن است يك شرکتی چندین نماینده داشته باشد هم بنظوری که ما میگوئیم که مدیر کل و شعبه ها مدیر های جزء داشته باشد این ممکن است مختلف باشد و همه جا پیش بینی کرده اند و برای شرکتهای خارجی که این حا است این هم مربوط بآنها است و این قسمت مخصوص و مربوط بآنهاست و این قضیه هم امکان ندارد

رئیس - آقای کارزونی

کارزونی - چنانکه در ماده اول ذکر شده هر شرکت خارجی که در ایران تشکیل بشود تابع ایشراش میدانم و در این صورت عطف کردن بعضی مواد کماصل شرکت اگر در خارج باشد چنانچه در این ماده مودکسل که باید بگویی نماینده عمده آن در ایران کیست این جا عطف میکنند مطلب را به این که رئیس کل شرکت که در خارج است در سوریه که ما قانون راباید بطوری بنویسیم نظری به آنکه در خارج است نداشته باشیم اصل این موسسه تجاری که در ایران است ما آترا تابع ایران میدانیم و بر طبق این قانون با آنها معامله میکنیم در این باب خوب است آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند

ولیر عدلیه - بنده قطع دارم که در این جا نماینده معزوم يك انتباهی فرمودند و متوجه بیواد نشدند و الا خودشان بهر میدانند که اسرائانشان وارد نیست چطور میشود تصور کرد که هر شرکت خارجی که در ایران است ما او را از اتباع ایران بدانیم چون معنائی که مینویسد در ماده اول که اشاره گردید این است بنده حالا میخواهم هر شرکتی که در ایران تشکیل شد و مرکز آن در ایران باشد دارای تابعیت ایران محسوب است حالا این شرکتهایی که در خارج تشکیل شده اند شرکتشان در خارج است بالاخره شرکت خارجی هستند این را ما معتقد هستیم در قوانین خود مان که

ممکن است در ایران شرکتهای خارجی هم باشد البته
 هشتم برای اینکه يك شركتهائی هستند که خارجی
 هستند و در این جا هم کار میکنند آفرقت ما برآی آنها
 يك تکلیفی مین کردیم که باید آنها در اینجا ثبت
 بشوند این هم اختصاص به مملکت ما ندارد در همه
 جای عالم این تکلیف را برای آنها معین کرده اند و
 این ثبت شکی دل بر این نبوده که تابعیت ایران را
 داشته باشند بنده ضرور میکنم که نظر گرفته است باین معنی که
 میگوید همه اشخاصی که در ایران هستند کارکنان شرکتها که در
 ایران هستند تابع قانون ایران است باین موضوع عجله است یعنی
 باید مطابق قوانین ایران رفتار کنند باینکه باینکه این
 که شامل حال آنها قوانین ایران میشود در معاملات
 که این جا میکنند نه این که تابعیت آنها نه این که
 ملیت آنها تغییر میکند يك فرد خارجی هم که در ایران
 است یا فرد ایرانی که در خارج است از نقطه نظر
 اغلب قوانین تابع قانون محلی است غیر از احوال
 خصیصه ولیکن نمیشود گفت که چون در آن مملکت
 در تحت قانون آن مملکت زندگانی میکند و تجارت
 میکند و کار میکند تابع آن مملکت است یعنی تابعیت
 این جا يك قانونی است بین این که تابع آن مملکت
 است یا اینکه تابع قوانین آن مملکت است.

ولیس - آقای ملک مدنی

حاکم محلی - بنده این جا يك توضیحی بخواستم
 و راجع به اینکه میگوید که شرکت بچه نوع تجارت
 یا صنعت و با عمل دیگر در ایران مبادرت میکند.
 بنظر بنده این قسمت که يك شرکتی خودش را معرفی
 میکند به این که چه نوع کاری میکند مثلاً يك شرکی
 تأسیس شده است مثلاً برای معاملات فرعی حالا این
 شرکت اگر خواست در ضمن عمل کنیتر ما بخرد
 خفتکار هم بخرد این مطابق این قانون شاید مانع
 داشته باشد و این يك تعیناتی برای شرکت خواهد
 بود و بنظر بنده اشکال دارد اگر غیر مقصود این نیست
 آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که معلوم شود.

وزیر عدلیه - البته ما هیچ مقصود نداریم که از
 برای شرکتها خواه داخلی خواه خارجی يك يك تعیناتی
 که ضرورت نداشته باشد ایجاد بکنیم و مسلماً نظر هم
 این بوده است که آقا تصور فرمودند که بخواهم بگویم
 که يك کسی اگر خواست تجارت فرشی بکند اگر فردا
 خواست کنیتر بخرد ما بنگذاریم معنی ندارد ما گفته‌ایم
 که چه نوع تجارتنی میکند يك نوع تجارت صادرات و
 واردات است يك وقت خرید و فروش میکند يك وقت
 این است که کار خانه میخواهد دائر کند آنها يك
 تجارتنی است که میخواهد کار خانه دائر کند فرض
 بفرمایید میخواهد استخراج معدن بکند تمام این کارها
 داخل در تجارت است نوعش را باید بگوید و الا اینکه
 من چه جنسی میخواهم بشیرم و یا اینکه اگر بنشیند وارد
 در این نظر شدم بگویم که مختصر قانونی هم در احوال
 این جنسهایی که شما میفرید پیدا شده است ما هیچ
 این نظر را نداشته‌ایم مقصود ما این است که بطور کلی بگویم
 من چه نوع تجارتنی میخواهم بکنم.

ولیس - آقای عدل

عدل - بنده در نمره هفتم مطابق اظهارات آقای ملک
 میخواستم عرض کنم و توضیحی که آقای وزیر عدلیه
 فرمودند گوش شنیدم و حالی نشدم این است که
 تکرار میکنم اینجا نوشته است که شرکت بچه نوع تجارتن
 و با صنعت یا عمل دیگر در ایران مبادرت میکند مبادرت
 میکند یعنی حالا مشغول است ولی ممکن است بعضی شرکتها
 باشد که در پرکرامش يك کارهای دیگر هم باشد که این
 را اگر امروز ثبت کند بعد نتواند مبادرت بآن کارها
 بکند این است که بنده عقیده ام اینست که این عبارت نوشته
 شود که شرکت بچه نوع تجارت یا صنعت و یا عمل دیگر
 در ایران مبادرت میکند و خواهد کرد چون شاید در
 پرکرامش باشد يك چیزی و هدینطور در قفره نهش که
 مینویسد شیع در کدامیک از نقاط ایران موجود است
 ممکن است يك شرکتی باشد که امروز در پنج جاشعبه دارد

ولی در پرکرامش این است که رسد بدهد در جاهای
 دیگر ما داشته باشد این را هم عقیده ام اینست که نوشته
 بود شمس آن در کدام نقاط ایران موجود است و توسعه
 پیدا خواهد کرد و ما فقط خواهد شد يك همچو چیزی

وزیر عدلیه - در قسمت اول پیشنهاد بدهد در کپیون
 در نظر گرفته میشود گمان میکنم اشکالی نداشته باشد اما
 قسمت دوم بنده خیال میکنم که ضرورتی ندارد باین
 فرمول بنویسیم برای اینکه در هر صورت آن شعی که
 موجود است باید بنویسند و شعی هم که میخواهد ایجاد
 کند در موقعش ثبت خواهد شد براین پرچم قایده دارد
 بنویسیم شعی که موجود است و بعد درست خواهد شد
 البته اینها بعد ثبت خواهد شد

ولیس - پیشنهادی از آقای طاهری رسیده است

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست

پیشنهاد میشود در قفره ۱۰ ماده ۶ نوشته شود ۱۰
 ناینده اصل شرکت در ایران کسیت

ولیس - ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - سواد اساتسته و اختیارات نماینده عمده
 شرکت در ایران و همچنین بیلان آخرین سال مالی شرکت
 باید در مرکز اصلی شرکت بنویسد رئیس هیئت مدیره
 و یا هر شخص دیگری که نماینده مجاز شرکت باشد تصدیق
 کردد. امناهای آنها باید بتصدیق مقامات صلاحیت دار
 مملکتی که امضاء در آنها واقع شده است برسد

ولیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم که در اینجا نوشته است بیلان
 آخرین سال مالی شرکت باید ضمیمه باشد عرض کنم
 در ماده بیست مدت را شش ماه تعیین کرده اند و در
 صورتیکه ترانژند حاضر شد شش ماه تعدید داده شود
 و آفرقت ببال بصل می افتد بنده میخواستم توضیحی
 بفرمایند در صورتیکه تعدید داده شده است آفرقت بیلان
 آخرین سال را باید بدهد یعنی بیلان سال گذشته را باید
 بدهد یا سالی که بعد تمام میشود

وزیر عدلیه - تقاضا نامه میگویند که باید دارای این
 نکات باشد پس هر وقت که تقاضا نامه را میدهد بیلان
 آخرین سالی که قبل از آن تقاضا نامه است باید بدهد

ولیس - ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۸ - اوراق مذکور در ماده فوق باید به امضاء
 نماینده سیاسی یا قسولی ایران در همه ملکتی که اوراق مزبور
 در آنها تهیه شده است و یا بامضاء نماینده سیاسی یا
 قسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد.

ولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در ماده هفت آخر ماده مینویسد
 که امناهای آنها باید بتصدیق مقامات صلاحیت دار
 مملکتی که امضاء در آنها واقع شده است برسد معنیش
 این است که امناهای مذکور در ماده فوق باید بامضای
 نماینده سیاسی یا قسولی ایران یا بامضای نماینده سیاسی
 یا قسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد مقامات
 صلاحیت دار مگر غیر از این است پس خوب است توضیح
 بدهید که ملثقت در هر

وزیر عدلیه - هم مملکتی از برای اینکه شرکت
 را ثبت کنند مقرانی هست و مومین میکنند که در کجا
 این شرکت باید ثبت شود هاتواوریکه خصوصاً در ایران
 شرکاتی که باید به ثبت رسد ما میگوئیم که در اداره
 ثبت اسناد باید به ثبت رسد همینطور هم در سایر جاها
 میگویند در اداره ثبت یا در پیش نوری یا دفتر اسناد رسمی
 باید این به ثبت برسد آن مقام صلاحیت دار اوست قسولی
 نماینده سیاسی یا قسولی ما در این مملکت و یا تصدیق
 قسولی یا نماینده سیاسی در مملکت ما برای این است که
 بگویند این امضاء امضاء آن مقام صلاحیت دار است این
 مهر مهر مقام صلاحیت دار است پیش از این را تصدیق نمیکند

ولیس - آقای عدل پیشنهاد شما راجع باماده هشت
 است.

عدل - خیر راجع به قفره هفتم ماده قبل است

ولیس - می رود بکپیون. ماده هم قرائت میشود:

ماده ۹ - پس از آنکه شرکت خارجی در طهران به ثبت

رسید هر يك از شعب آن در ایران نیز باید در اداره ثبت اسناد عمل و وقوع خود ثبت گردد و اگر در محل مزبور در آنوقت ثبت اسناد نباشد باید در دفتر عمده ابتدای محل ثبت شود

ولیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده عرض میکنم در صورتیکه اصل شرکت مطابق ماده شش ثبت شد در مرکز اسم شرکت نوع شرکت مرکز اصلی شرکت تابعیتش مقدار سرمایه اش جایز در چه عمل یا در چه تاریخ است و در مرکز ثبت شد دیگر چه ضرورت دارد که شعبش هم در ولایات ثبت شود از این جهت بنده تصور میکنم لازم نباشد.

وزیر عدلیه - اساسا در اینکه ثبت شعبش هم لازم است حرفی نیست و در اینجا بنده خیال میکنم که آقام موافقت بفرمایید همینطور سایر آقا بابت هم موافقت بفرمایند همینطور باید برای اینکه کسی که سرمایه با شعبه دارد بتواند باید دفتری نگاه کند به اینکه موافقت این شعبه چیست و مدیرش کیست نماینده که حق امضاء دارد کیست و بالاخره جلوگیری بکند از اینکه يك شخصاس متعلق به يك کارخانه بکند منتضی حالا در اینکه این ثبت در ولایات باشد یا اینکه ثبت شعب در طهران میشود و بعد بفرستند برای ولایات بفرستند از قضا آنجا این يك نکته است که بعضی آقا بابت وکلایم به بنده تذکر دادند بعد از انتشار لایحه و همگن است این را در یک بنده مذاکره و مجامعت کنیم که شاید بهتر باشد که این را در اینجا ثبت کنند و بعد دفترش یعنی با صلاح آن قسمتی که مربوط باینکار است برود در يك دفتر مخصوصی در تمام ابتدای هر محل در آنجا باشد که اشخاصی که بخواهند بتوانند مراجعه کنند.

ولیس - آقای طهرانی

بنده هم همانطور که آقای مؤید احمدی اظهار داشتند يك عرایضی داشتم مسئله شرکتها را باید تسهیل کرد این را باید طوری کرد که نتوانند بعمل برسند و بکنند يك شرکای خواه داخل خود را خارجی در طهران سرمایه اش را معین کرد و کوشش را هم معین کرد و ثبت شد آن وقت شعب این هم اسناد و مدارک تهیه بکنند در هر کارخانه که شعبه دارند به ثبت برسند این اسباب زحمت است البته تولید اشکال میکند برای شرکتها خیلی سخت است کار آسانی نیست ممکن است ما مقیدش کنیم که در هر جائی که شعب شرکت تشکیل میشود يك دفتر يك چیزی به ثبت اسناد محل بفرستند که من شعبه فلان شرکت که در مرکز ثبت شده و این هم نوع عمل و کار من است و الا بخواهد يك اسناد و مدارکی تهیه بکنند برود هر شعبه ان مدارک و اسنادش را ثبت بکنند این اسباب اشکال است.

وزیر عدلیه - بنده در این قسمت که در این قسمت ما ممکن است پیشنهاد فرستید برود بیکسوس. **ولیس -** ماده دهم قرائت میشود: ماده ۱۰ - برای ثبت شعبه شرکت تقدم مدارک ذیل لازم است: ۱ - تقاضا نامه ثبت مطابق مقررات ماده ۴ در سه نسخه و بنامش ۲ - سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران ۳ - سواد مصدق اختیارنامه نماینده که مدیر شعبه است سواد اخیر متوسط نمایند عمده شرکت در ایران که باین عنوان ثبت شده است مصدق شده باشد **ولیس -** ماده یازدهم قرائت میشود: ماده ۱۱ - اگر علاوه بر نماینده عمده شرکت که اسم آن مطابق ماده ۶ در موقع ثبت شرکت به ثبت رسیده و یا نمایندگی که مدیریت شعب را داشته و اسم آنها مطابق ماده ۱۰ در موقع ثبت شعب ثبت شده شرکت خارجی در ایران نمایندگی داشته باشد که حق امضاء از طرف آن دارند اسم نمایندگان مزبور نیز باید بترتیبی که برای ثبت شرکت فوقا قمر است ثبت شود ولی ثبت اسامی مستخدمین جزء شعب بانکها و یا تجارتخانه که حق امضاء دارند از قبیل محاسب و وکیل و غیره اجباری نیست **ولیس -** ماده دوازدهم قرائت میشود: ماده ۱۲ - هر گاه یکی از نکات مذکور در مقررات ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ ماده ۶ تغییر باید این تغییر نیز باید در اداره ثبت اسناد یا دفتر عمده خود ثبت و در هر يك از شعب و نمایندگان آن در آنجا به ثبت رسیده اند کتباً اظهار کرد

این اظهار نامه باید در طهران دو نسخه و در ولایات سه نسخه بود و بنامش نوشته شده و با امضای نماینده شرکت در محل او یا نماینده عمده آن در ایران برسد **ولیس -** ماده سیزدهم قرائت میشود: ماده ۱۳ - اگر شعب جدیدی تأسیس و یا نمایندگان جدیدی معین شود شعب و نمایندگان مزبور باید هم مطابق

ماده ۹ اداره ثبت اسناد یا دفتر عمده که در حوزه آن تأسیس و یا معین شده اند هم مطابق ماده ۱۰ ماده ۶ اداره ثبت اسناد طهران اظهار کنند و در آنجا ثبت شود: **ولیس -** ماده چهاردهم قرائت میشود: ماده ۱۴ - اگر نماینده عمده شرکت در ایران تغییر بیاید باید قائم مقام او برای ثبت سهم خود اسناد ذیل را بدارد ثبت اسناد طهران تقدم دارد. ۱ - تقاضا نامه بنامش در دو نسخه که شخصا امضاء کرده باشد ۲ - اختیارات خود مطابق ماده ۷ و ۸ **ولیس -** ماده پانزدهم قرائت میشود: ماده ۱۵ - کتب اوراق و اسنادی که مطابق مواد فوق لازم است تقاضا نامه ها مستمرد کرد باید بنامش تهیه شده با يك ترجمه مصدق از آن بنامش تهیه شده آن شود.

ولیس - ماده شانزدهم قرائت میشود: ماده ۱۶ - در هر چه بدفتر ثبت اسناد که شرکت با شعب آن مطابق ماده ۳ و ۹ این قانون در آنجا ثبت شده است برای مردم آزاد و رفتاری میبازند از متدو چنانچه آن سواد مصدق تصدیق کنند

ولیس - ماده هجدهم قرائت میشود: ماده ۱۷ - در ظرف یکماه از تاریخ ثبت شدن شرکت با شعبه آن استعلامه شرکت و اسم نماینده عمده آن در ایران هم چنین اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضاء دارند باید در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه های یومیه منتشر شود

ولیس - ماده بیستم قرائت میشود: ماده ۱۸ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

ولیس - ماده بیست و یکم قرائت میشود: ماده ۱۹ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

ولیس - ماده بیست و دویم قرائت میشود: ماده ۲۰ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

ولیس - ماده بیست و سوم قرائت میشود: ماده ۲۱ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

ولیس - ماده بیست و چهارم قرائت میشود: ماده ۲۲ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

ولیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود: ماده ۲۳ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

ولیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود: ماده ۲۴ - در هر موقعی که شعبه شرکت در یکی از شهرهای دیگر ایران دالر شود باید مراتب مذکوره در ماده قبل در یکی از روزنامه های آن شهر نیز منتشر شود و اگر در آن شهر روزنامه نباشد این اناشار باید در یکی از روزنامه های یومیه طهران و باقیه اینکه مربوط بکدام شعبه است بعد آید

رئیس - ماده نوزدهم قرائت میشود:
ماده ۱۹ - در موارد مذکور در مواد ۱۲ و ۱۳
بجز تغییرات حاصله باید در مجامع رسمی وزارت معارف و اوقاف
یکی از چارهای صومعه طهران منتشر شود و مدت تغییر
قبض بیکس از شعب راجع باشد انتشار باید بلااثر و مطابق
ماده قبل بعمل آید

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود:
ماده ۲۰ - هر شرکت خارجه که در تاریخ اجراء
این قانون در ایران مقبول یا مورد تجاری - منتهی -
مالی یا غیر آن باشد باید در ظرف ۶ ماه از تاریخ مزبور
تقاضاینامه ثبت شود و مقبول خود را مطابق مقررات اینقانون
تقدیم دارد . اگر تقاضا کند نتواند در مدت مزبور کلاً
اروایی لازم را تهیه نماید از رئیس عهده ابتدایی
محل مهلتی که بیش از شش ماه نخواهد بود تقاضا کند
و رئیس مزبور این مهلت را بموجب قرار مخصوصی که
صادر می کند خواهد داد .

رئیس - ماده بیست و یکم قرائت میشود
ماده ۲۱ - هر شرکتی که تقاضاینامه ثبت را با شرایط
و در موارد مقررند در مواد فوق تقدیم نماید از مهلت
های ذیل بهره منده خواهد شد

الف - برای تقاضای ثبت شعب و اسامی نمایندگانیکه
در مملکت ایران مقبول تجارت هستند دو ماه از تاریخ
صدور سند ثبت خود شرکت
ب - برای تقاضای ثبت شعب یا نمایندگانی که ممکن
است بعدها در ایران تشکیل و یا تعیین کنند دو ماه از
تاریخ تشکیل و یا تعیین آنها

ج - برای تقاضای ثبت تغییرات حاصله در شعب و
یا نمایندگانی که در ایران دارد که از آنجمله نمایند
عمده شرکت در ایران است دو ماه از تاریخ تغییر
د - برای تغییرات حاصله در خود شرکت سه ماه
از تاریخ تغییر اگر مرکز اصلی شرکت در آسیا یا استانی
شرق آسی و یا در اروپا و یا در افریقای شمالی باشد و
چهار ماه در سایر ممالک

رئیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - بنده خواستم در این قسمت (دار)
که بنویسم بعضی تغییرات حاصله در خود شرکت اولاً توضیح
داده شود که مقصود از تغییرات حاصله در خود شرکت
چون تغییرات و تغییرات و تالیاً این تفاوت مضمناً که اینجا
نودته شده است که از تاریخ تغییر اگر مرکز اصلی شرکت
در آسیا باشد با استثنای شرق آسی و یا در اروپا و یا در
افریقای شمالی باشد این تفاوت مدت از چه نقطه نظر
است که مستثنی و مستثنی مبنی است .

وزیر عدلیه - عرض کنم تغییری که در خود
شرکت میشود در شعب هم ممکن است حالا بنده مثال
بزنم فرض بفرمایید نوع کاش را ببخواهد در اینجا
تغییر بدهد همین یکی هم ممکن است مورد پیدا کند و
حالا اینکه عرض مورد دارد و اما این استثنای آن است
که ملاحظه میفرمایید تفاوتی که گذاشتیم برای فاصله
است در جاهاییکه نزدیک است و سایر ارباب میبینند
است حساب این را کردیم و کج قرار دادیم و آنچه
هالی که فاصله بیشتری لازم دارد آنجا را مدت بیشتری
گذاشتیم .

رئیس - ماده بیست و دوم قرائت میشود:
ماده ۲۲ - هر یک از مهلت های مذکور در ماده
فوق ممکن است بموجب قرار عهده ابتدایی که نظر
تقاضای اشخاص ذی نفع صادر میشود برای بگریزید
بجهان مدت تمدید کرد .

رئیس - آقای طاهری
طاهری - اینسکه مینویسد هر یک از مهلت های
مذکور نظر تقاضای اشخاص ذینفع ممکن است تعدیه
شود یعنی اگر مثلاً نمایندگی عمده شرکت تغییر کرد چند
ماه مهلت داشت دو ماه مهلت داشت که بیاید خودش
را معرفی کند اگر چنانچه معرفی نکرد در ممکن است
چهار ماه بشود هر صورتیکه ممکن است بیک اشخاص
دیگری مقرر باشد اگر این شخص معرفی نکرد ۲۰

و نه ثبت رسانده باشد امضای خودش را و استنادی که
دلایل رجوع نمایندگانش است چه در خود مرکز چه
در شعب اگر تبلیغ بکنند هست ممکن است بشیرا اشخاص
دیگر باشد یا بر این نظر بنده درست در نهایتاً نظر
تقاضای اشخاص ذینفع ممکن باشد این مهلت را بدهد
ببعضی بمانند اینکه یک شرکت همی که نمایندگی اش عوض
میشود یا در مرکز یا در شعب اگر چنانچه معرفی نکند
امضای خودش را بجای بانسکه بنده عرض ذینفع هستم
اگر تأخیر بیندازد بک اشخاص دیگری ذینفعر میشود
وزیر عدلیه - البته ممکن است ذینفعر بشوند ممانطور
که بفرمایند ولیسکه از طرف دیگر تصدیق باید کرد
که در بعضی موارد باید مهلت داد برای اینکه این
شخص از نظر نظر استکف از مواد قانون بیرون
اینست بک محظوری پیش آمده است که نتوانسته است
این کار را بکند و از یک بیانی که حالا قانر مود میشود
استفاده میکنند که این را از حالا بگویم که پس از آنکه
شور اول این قانون از گسیبون گذشت بنظر بنده رسید
و حالا هم در گسیبون مطرح میکنیم و شاید گسیبون
هم واقف نشوند و بعد به مجلس بیآوریم که مادام که نمایندگی
تغییر ثبت نشده است اصلاً ما آن نمایندگی اولی را میبینیم
برای اینکه اشخاصی بمانند آن دولت نیز در روندن معامله
میکند این نمیشود که یک روزی شرکت بیاید اطلاع
بدهد که این نمایندگی من نیست قبل از اینکه این مسئله
ثبت شود اشخاصی که وقتاً اند رجوع کرد اند بوقت آن
شخص را صاحب امضاء از طرف شرکت دانسته اند اولیک
تعمداتی بکار قرار دادهای کرده اند اولیک بدهد معلوم میشود که
خبر اشخاص رفته ولی در هر صورت فکر میکنیم که
نظر آن قانون شود ولی ممکن است مواردی پیش بیاید
که اولیک باید بدهد مهلتی داده شود آنهم یک محکمه
این قرار را میدهد و رسیدگی میکند که این شخص آیا
حق دانسته این تقاضا را بکند و آیا طوری هست که لازم
باشد اولیا باو مهلت داده شود یا نه ؛ اگر ضرورت دانسته
باشد البته میدهد

رئیس - ماده بیست و سوم قرائت میشود
ماده ۲۳ - هر شرکت خارجی که پس از اجراء این
قانون برای اولین دفعه در ایران تاسیس شده باشد و یا
بناهنده همین کند متکاف است مقررات این قانون را
رعایت نماید

رئیس - ماده بیست و چهارم قرائت میشود:
ماده ۲۴ - متخلف از هر یک از مقررات این قانون
و یا تأخیر در انجام هر یک از آنها - مستلزم جریمه از پنجاه
الی یکصد تومان است جریمه مزبور بتقاضای دعوای العموم
بداست و بموجب حکم محکمه ابتدایی محل و بنظر
مجلس است و یا بصدت تأخیر همین مجرمه ببلایه محکمه
باید برای هر روز تأخیر اضافی که بعد از صدور حکم
مذکور حاصل میشود تا بدین پنج ای پنجاه تومان را بمرور دارم
و هر گاه سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی متخلف
ادامه نماید دولت از عملیات شرکت در ایران یا شعبه
که متخلف کرد جلوگیری خواهد کرد

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود:
ماده ۲۵ - جز در موارد بعد هر شرکت خارجی
که مطابق مقررات این قانون رفتار نماید علاوه بر جریمه
های نقدی فوق از دارا بودن شخصیت حقوقی و حق اقامه
دعوی در محاکم ایران نیز محروم خواهد بود انتخابیکه
حق آنها از شرکت های مزبور نقلی شده باشد همین محرومیت
را نسبت به حقوق مزبور خواهند داشت ولی دعوی
که بر علیه آن شرکت و یا آن اشخاص اقامه میشود در
محاکم عدلیه پذیرفته خواهد شد

رئیس - آقای دشتی
دشتی - عرض کنم این ماده یک نام و دو هوا است
که از آقای وزیر عدلیه خواهش میکنم که میخواهد
در گسیبون بیشتر باین ماده اهمیت بدهند برای اینکه
از یک طرف اگر شرکت را بر سر مردم دعوی داشته باشند یک
چهره است و اگر مردم بر این شرکت دعوی داشته باشند یک چهره
حالا این البته از نقطه نظر جریمه ایست که برای

شرکت‌هایی که به‌زارت ثبت دولت و رعایت بندهای
 این قاعده ولی اول ماده باوجود کلاً متناقض است .
 عرض کنم شرکتی که خودی را به ثبت رسانده باشد برای
 این شخصیت قانونی قابل پیوسته و وقتی که شخصیت قانونی
 قابل تعدیل آنوقت ظهور بنموده دعوی سایرین را بر علیه
 این پیوسته ا ۱ . همانطور که خودی بنیواند اقامه دعوی
 بکنند دیگری هم نمی‌تواند بر علیه او اقامه دعوی کند .
 پس این بنظر من متناقض است . ولی دیگر راجع به افرادی
 است که از باب آن شرکت دعوی دارند اگر یک شرکتی
 فرضاً دارای شخصیت قانونی بود اما افراد که دارای
 شخصیت قانونی هستند دعوی افرادی را می‌تواند بخواهد
 رد کرده اند . این دعوی است این شخصی است که
 قانونی دارد و باید دعوی او پذیرفته شود بلامانع
 هم باید از این ماده بر مخرج شود زیرا اگر شرکت را
 دارای شخصیت قانونی نمی‌شناسند باید دعوی او را بپذیرد
 او مرد را قبول نکنند ولی اگر دارای شخصیت قانونی
 شد باید افراد هم نتوانند دعوی کنند . و اگر بگویند
 که ما می‌خواهیم ابتدا یک جریمه قرار بدهیم تا عقیده
 بنده دعوی هم که بر علیه آنها هست آنها را جرم نماید
 پس وقت آن وقت کسی نمی‌تواند دعوی شرکتی
 می‌خواهد بکنند وقتی که شرکت را جریمه بکنند
 و مردم دیدند یک شرکتی بثبت نرسیده یا او معامله
 نمی‌کنند .

ولیر عقیده - اینکه فرمودید اول مجرم کردن
 یک شرکت از حق اقامه دعوی بخواهیم این که ثبت ندهم
 است یک ضامن اجرای خلی سنجی است و جزای بنده
 است . خوب این یک مجالی است که نوشته بنموده
 در حق هم میشود بحث کرد . و بنده خودم هم اعتراف
 میکنم که موضوع با اندازه مسلم نیست این طرفش که ننهد
 برای آن طرف دیگری یک دلائل هم آورد . میشود
 گفت که این مجلی زیاد است و گفت خوبت شما
 چرا دروا بکنید ولی هم بنمودم کردن یک شرکتی را از
 حق اقامه دعوی این زیاد است . این مسئله قابل‌بحث

است و آنرا اگر در این زمینه پیشنهاد دادیم
 است بفرمایند . اما در باب موضوعی که ما داشتیم
 موضوع ما اولاً متفق بود . بلکه باوجود این بود
 که شرکت‌هایی که در ایران می‌باشد و می‌خواهند کار کنند
 با اصطلاح معمول خودمان قدوستان بالای چشم همانطور
 که در ممالک خودشان وقتی یک شرکت خارجی می‌باید
 از حق تقاضا بشود که باید به ثبت برسد در این جا
 هم همانطور عمل کنند تا ما بدانهم که واقعاً شرکت است .
 ما بر سر صحت خارجی متفق می‌کنیم این بر
 اسهالی است که با شرکت خارجی در این ممالک
 می‌باشد و بالاخره گاهی معلوم میشود که هیچ‌اصحابی
 نباشند از برای جلوگیری آنها است . با در جمعا که دولتی
 را پیدا کرده ام اشخاصی آمده اند با نام کوهپایه معروف
 در این جایگه ممالاتی کرده اند و با نام آن شرکت میکنند
 یک کار جانی کرده اند و خودشان را شعبه آن گنجانند
 تشکیل داده اند پس از اینکه مدت گذشت طلبکار جانی
 که فشار آورده معلوم شد که هیچ‌رسمی و بهایی نباشند است . بان
 صاحبی فشار آورد معلوم شد که هیچ مایه نقدانی
 شرکت که در وجع کرده است شرکت که ما این طرف می‌باشیم
 فریب‌هستند هزار تومان یکی از اینها با ما این که من یک
 شرکتی هستم کلام برود و برافشانه فرار کرده است
 و یکسال هم هست که در تحت تعقیب است اما چنانچه
 برای این اشخاص دارد پس خوست این موضوع را هم
 این جا در نظر گرفت بنده بخصوصاً ابتدا خواستار این
 جا عرض کنم که شرکت های خارجی در نظر بنده
 عن این مقررات بنشیند باین مقررات در ممالک خودشان
 هم راجع به شرکتها جاست . و شرکتها در آنجا باید
 ثبت شود و روی هم رفته این نظر بدی نیست . بر عکس
 داخلین بویل داریم که شرکت های خارجی در ایران
 بیانه بکنند و استفاده ببرد البته از برای دولت ممالک
 هم نافع باشند . ولی در هر صورت همان طور که در نامه
 ممالک این کار شرکتها یک ترفندی دارد در این جام
 در تحت آن تریب و باین مقررات رفتار کنند و وقت

روزنامه هفت تپلیه

ممالک خارجی

باید وضع میشود و این شرکت‌های صحیح را بنده تلمیح
 دارم خواهی سرعت بفرماد ثبت میکنند . این قانون برای
 آن اولی حالت . ما گفتیم خوب اگر کسی از اینها طلب
 داشت میتواند بر او اقامه دعوی کند و اگر آن مالک
 می‌خواهد باید بکند کارشناس حقوق میدهد . راست است
 وقتی که گفته این فرکت یک شرکتی است که نمیتواند
 برش اقامه دعوی کرده کسی یا او معامله نمیکند اما
 کدام مردم در کویا دنیا مردم عامی وارد این جزایات
 میشوند این کار اشخاصی است که اهل قریب باشند اهل قانون
 باشند و اطلاع داشته باشد از اینها که وقتی که معامله
 میکنند این وقت را با بگذراند اما یک بدبختی که رفت به
 نمایندگی فلان کجائی بخیال خودش می‌بازد بترین فریاد
 هیچ آمد آرزو تحقیق کند که آیا این نماینده آن کجائی
 هست یا نه ؛ ولیکن چندین هزار تومان با مردم وارد است
 و رفت پس بنابر این عقیده بنده اینست که در اصل مطلب آنجا
 هم واقف بفرمایید راجع به این قسمت اگر قبول کردیم که
 آنها هم مجرم باشند از حق اقامه دعوی باید آثارش
 را که برشان اقامه دعوی میشود آرد در تکلیف
 و باید باشد . حالا باوجود این اگر در این ماده پیشنهاد
 دارد بدین معنی عرض کردم بنده با نظر مساعده و عطافه
 میکنم بلکه یک طوری بکنیم که نظر آنرا باین شود
ولیس - آقای مدعی

دهلی - عرض کنم بنده شخصاً نظر خصوصی ندارم
 فقط یک تذکری بود که می‌خواهیم به آقای وزیر عدلیه
 بدهم . آقای وزیر عدلیه غالباً یک کلانی را که مسلم
 است و شکی درش نیست آنها را شرح و بسط میکنند
 و همه میکنند صحیح است . بنده هم موافق با آقای
 وزیر عدلیه که کلیه شرکت های که در این ممالک تأسیس
 میشود باید به ثبت برسد و اگر هم اهل کرده باید
 مجازات شدیدی شوند . بنده در این قسمت وارد نیشوم
 که این مجازات شدید است یا نیست بنده فقط میخواهم
 عرض کنم که خوبت ماده بیست و پنج را طوری
 بنویسیم که متناقض نباشد و ماده صحیح باشد تا وقتی که

قانون

راجع به مخارج ملبوس و لوازم ضروری توابعهای نظامیه و مخارج فوق العاده مامورین اعزامی به

تصویب بودگان

ماده واحده - مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه میدهد که معادل سه هزار و سیصد و پنجاه هفت تومان و در قران و هشتصد دینار جهت تهیه ملبوس و رختخواب و سایر لوازم ضروری توابعهای نظامیه و همچنین مبلغ پانصد هزار و پانزده تومان برای مخارج فوق العاده مامورین اعزامی به تصدی بودگان از هجدهم شهریور ماه ۱۳۰۹ تا آخر آن سال از محل اعتبار صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۹ تسکيلات نظامیه بپردازد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و سوم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد ده شصت و شصت و پنج مجلس شورای ملی رسید.

برای شرکتکنندگان شخصیت قانونی قابل تقدیر یعنی محکمات این راغنی شناسان در این صورت اگر دعوی بر علیه یا علیهین باشد فرق نمیکند اما ما بگوئیم این شخصیت قانونی ندارد برای اینکه توانا اقامه دعوی کند در عدلیه ولی اگر کسی آمد و بر علیه این اقامه دعوی نکرد میتواند و عکس قبول می کند یعنی در این مورد شخصیت قانونی را می پذیرد یعنی مدعی علیه میتواند واقع شود این يك تناقضی است و این تناقض را بهر شکلی مطابق منطق قانونی و قضایی که دارید رفع کنید.

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود.

ماده ۲۶ - در مورد شرکتهای خارجه که شرایط عملیات آنها به موجب امتیاز نامه صحیح و منظمی مقرر است وصحت امتیاز را در موقع قانونی نقضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد ماده قبل جاری نخواهد بود لیکن جزای نقدی که به موجب قسمت اخیر ماده ۲۴ معین میشود برای هر ده روز تاخیر و یا کسر ده روز از یکصد تومان الی پانصد تومان خواهد بود.

رئیس - ماده بیست و هفت قرائت میشود.

ماده ۲۷ - حقوقی که به موجب این قانون ثبت شرکت های خارجه دریافت میشود همان است که مطابق مقررات قانون ثبت اسناد و املاک برای ثبت شرکتهای ایرانی اخذ میگردد مگر آنکه در مملکت اصلی شرکت از شرکتهای ایرانی حق التیث بیشتری اخذ شود که در این صورت بهمان نسبت حق التیث اخذ خواهد شد.

رئیس - ماده بیست و هشت قرائت میشود.

ماده ۲۸ - مواد ۱۶ و ۱۷ قانون تجارت نسخ میشود. رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای روحی قرائت میشود. بدو پیشنهاد آقای لاریجانی در باب ماده بیست و هفت قرائت میشود.

(پیشراج آئی خوانده شد)

پیشنهاد بهنامی که در ماده ۲۸ بجای لفظ (مواد) (ماددین) نوشته شود

رئیس - پیشنهاد الحاقیه قرائت میشود.

ماده الحاقیه - علاوه بر مواد فوق شرکت و کپانیهای بیمه تنج مقررات و نظامات جداگانه ای خواهند بود که وزارت عدلیه بموجب نظامنامه جداگانه بر آنها امر خواهد داشت.

رئیس - آقایانی که با ورود در شور دوم این قانون موافقت قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد (۱۱) - تقدیم دولتمردان لایحه اصلاحی آقای ولیر عدلیه رئیس - پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده . آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید

ولیر عدلیه - در لایحه است که تقدیم میکنم از برای اینکه یکم - یون عدلیه بروم

(۱۲) - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه] رئیس - اگر موافق باشید جلسه آینده سه شنبه است و هجدهم اردیبهشت سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور دوم اتزان امور غیر منقول ابلاغ خارجه (مجلس) يك ساعت و ربع از ظهر سراسر ختم شده (مجلس) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر